



# عنوان : احسان

استاد مربوطه : سرکار خانم بیگلی      تنظیم کننده : غزل تیبانی

# معنای لغوی



**احسان**، مصدر باب افعال از ریشه «حسن» است.

**حُسن** (مصدر و اسم مصدر) در مقابل سُوء و سَوء

(بدی و بد شدن) و نیز فُبح (زشتی و زشت شدن)، به کار رفته و متناسب با موارد کاربرد در معنای اسم مصدری آن، مفهوم، زیبایی خوبی، نیکی، شایستگی، مورد پسند و ... را می‌رساند.

این واژه و مشتقاتی چون حَسَن، حَسَنَة، حَسَنَات، حُسْنی، محسن و أَحْسَن که در قرآن نیز فراوان آمده است

در وصف آن دسته از امور دینی و دنیایی به کار می‌رود

که به سبب داشتن گونه‌ای از زیبایی عقلی، عاطفی، حسی و ... می‌تواند با برانگیختن احساس خوشی، رضایت، زیبایی و تحسین در انسان، او را به خود جذب کند.



# معنای اصطلاحی



مفسران، افزون بر دیدگاه‌های متفاوت در تفسیر پاره‌ای از آیات مربوط کوشیده‌اند تا تعریف واحدی از احسان ارائه کنند. اما پیش‌تر تعاریف به سبب گستردگی مصادیق و عناصر دخیل در مفهوم احسان و نیز عدم تفکیک کامل بین کاربردهای سه‌گانه آن، جامعیت لازم را ندارد.

تعاریفی چون، رساندن نفع نیکو و شایسته ستایش به دیگری کاری که از سر آگاهی و به شکل شایسته انجام پذیرد، و نیز انجام کاری به شکل نیکو و با انگیزه خدایی و رساندن خیر یا سودی به دیگری بدون چشم‌داشت هرگونه پاداش و جبران کردنی از این قبیلند. از مجموع آیات برمی‌آید که عناصر مهمی چون ایمان، انگیزه و نیت الهی (حُسن فاعلی)، نیک بودن ذاتی یک کار (حُسن فعلی)، شکل شایسته انجام (هیأت صدور)، رساندن خیر و خوبی به دیگری، در مفاهیم سه‌گانه احسان دخیلند. در پاره‌ای از مصادیق، همه و در پاره‌ای دیگر فقط بخشی از عناصر یادشده، مرز معنایی احسان را تشکیل می‌دهند. بنابراین، ارائه تعریف جامع برای هر سه معنا و همه مصادیق آن‌ها امکان‌پذیر نیست.

# احسان از منظر روایات



«الإِحْسَانُ مَحَبَّةٌ؛ احسان و نیکی محبت است.»

«الإِحْسَانُ رَأْسُ الْفَضْلِ؛ احسان اساس فضیلت و خوبی هاست.»

«الإِحْسَانُ ذُخْرٌ وَ الْكَرِيمُ مَنْ حَازَهُ، نیکی کردن سرمایه انسان است و بزرگوار کسی است که آن را به دست آورد.»

«الإِحْسَانُ غُنْمٌ؛ نیکی کردن غنیمت است.»

«كُلُّ مَعْرُوفٍ إِحْسَانٌ؛ هر کار خوبی احسان و نیکی است.»

«الْبَشَاشَةُ إِحْسَانٌ؛ گشاده رویی احسان است.»

# حوزه معنایی احسان در قرآن



واژه احسان در قرآن در سه معنا به کار رفته است:

۱. انجام دادن کار نیک و انجام اعمال و رفتار صالح.

۲. نیکی کردن به دیگران.

۳. انجام دادن نیکو و شایسته یک کار در شکل کامل و به وجه نیکو.

واژه احسان به هر سه معنا در قرآن به کار رفته است.

ایمان به خدا و پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و انجام فضائل اخلاقی و جهاد در راه خدا و ... از مصادیق احسان هستند.

# اهمیت و فضیلت احسان



- «اِكْتِسَابُ الْحَسَنَاتِ مِنْ اَفْضَلِ الْمَكَاسِبِ؛ تحصيل نیکی‌ها از برترین کسب‌هاست.»
- «رَأْسُ الدِّينِ اِكْتِسَابُ الْحَسَنَاتِ؛ اساس دین به دست آوردن نیکی‌هاست.»
- «قَدْرُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ؛ منزلت هر شخصی به اندازه کارهای خیری است که انجام می‌دهد.»
- «الْاِحْسَانُ يَسْتَرِقُ الْاِنْسَانَ؛ حسان انسان را مدیون و بنده می‌کند.»
- «اَفْضَلُ الْاِيْمَانِ الْاِحْسَانُ؛ برترین ایمان نیکی کردن است.»
- «رَأْسُ الْاِيْمَانِ الْاِحْسَانُ اِلَى النَّاسِ؛ اساس ایمان نیکی کردن به مردم است.»
- «زِينَةُ الْاِسْلَامِ اِعْمَالُ الْاِحْسَانِ؛ احسان کردن زینت اسلام است.»
- «مِنْ شَرَفِ الْهَمَّةِ بَدَلُ الْاِحْسَانِ؛ بذل احسان نشانه بلندی همّت است.»



# آثار و نتایج احسان



«بِالْإِحْسَانِ يُسْتَعْبَدُ الْإِنْسَانُ؛ احسان و نیکی انسان را بنده می‌کند.»

«بِالْإِحْسَانِ تُمْلِكُ الْقُلُوبَ؛ قلب‌ها با احسان تسخیر می‌شوند.»

«بِالْإِحْسَانِ يُمْلِكُ الْأَحْرَارَ؛ به وسیله احسان آزاد بنده می‌شود.»

«بِالْإِحْسَانِ تَعَمَّدِ الذُّنُوبِ بِالْعُفْرِانِ يَعِظُمُ الْمَجْدُ؛ با احسان و بخشودن گناهان مجد و عظمت انسان بیشتر می‌شود.»

«مَنْ كَثُرَ إِحْسَانُهُ كَثُرَ خَدَمُهُ وَ أَعْوَانُهُ؛ هر کس که احسان و نیکوکاری‌اش بسیار باشد، خدمت‌کنندگان و یارانش بیشتر می‌شوند.»

«مَنْ أَحْسَنَ إِلَى النَّاسِ اسْتَدَامَ مِنْهُمْ الْمَحَبَّةَ؛ هر کس که به مردم نیکی کند دوستی آن‌ها با او ادامه پیدا می‌کند.»

«عَلَيْكُمْ بِالْإِحْسَانِ إِلَى الْعِبَادِ... تَامَنُوا عِنْدَ قِيَامِ الْأَشْهَادِ؛ بر شما باد نیکی کردن به بندگان خدا...، چون از این طریق در قیامت از خطرهای این

می‌شوید.»

«مَنْ أَحْسَنَ اكْتَسَبَ حُسْنَ الثَّنَاءِ؛ هر کس که نیکی کند ستوده می‌شود.»

«لَا يُحْمَدُ إِلَّا مَنْ بَدَلَ إِحْسَانَهُ؛ ستوده نمی‌شود مگر کسی که احسان خویش را بذل کند.»

# منابع

- ↑ فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب العین
- ↑ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحيط
- ↑ نحل/سوره ۱۶، آیه ۶۷.
- ↑ بقره/سوره ۲، آیه ۲۰۱.
- ↑ هود/سوره ۱۱، آیه ۱۱۴.
- ↑ اعراف/سوره ۷، آیه ۱۳۷.
- ↑ نساء/سوره ۴، آیه ۵۹.
- ↑ اسراء/سوره ۱۷، آیه ۷.
- ↑ نجم/سوره ۵۳، آیه ۳۱.
- ↑ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح
- ↑ راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات
- ↑ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی
- ↑ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه
- ↑ الملبسوط
- ↑ طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان

